MEJDS. 2019; 9:24.
Published online 2019 Jun. **Research Article**

Cognate Status on Kurdish–Persian Bilingual Individuals' Ability to Retrieve Cognate and Non–Cognate Verbs

Nariman Barani Zaghe[1], *Azar Mehri[2], Shohre Jalaie[3], Ronak Moradi[4]

Author Address:
1. MSc in Speech Therapy, Department of Rehabilitation, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran;
2. Assistant Professor in Speech Therapy, Department of Rehabilitation, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran;
3. Associate Professor in Biostatistics, Department of Rehabilitation, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran;
4. Assistant Professor in Linguistics, Payam Noor University, Iran.
***Corresponding Author E–mail:** mehri@tums.ac.ir

Received: 2017 July25; **Accepted:** 2017 August 5

Abstract

Background & Objective: In bilingual people, lexical selection, in addition to contending the competition between semantically related lexical representations, competing for word selections also occur between languages, which makes word retrieval a bit difficult. There are two views to explain how bilingual speakers select the correct words for the presented image in the intended language. First one assumes that lexical access in the target language is achieved by an imbalance in the activation levels of the two lexicons, but second view assumes that selection of the target word in the intended language is achieved by means of a lexical selection mechanism sensitive only to the activation of the lexical items of the intended language. Cognate status can influence recalling and retrieval of words from bilingual is lexical system. Cognates are word pairs with similar form and the same meaning in two languages; in contrast, non–cognate words have a common meaning and a different form. The purpose of the present study was to investigate whether cognateness affects verbal recalling performance in balanced Kurdish–Persian bilinguals and ultimately to achieve a model or hypothesis that would explain the retrieval of vocabulary in bilingual individuals.

Methods: This study was a cross–sectional and comparative study. The population of this study was all Kurdish–Persian bilinguals in Kurdistan province. The participants completed the language experience and proficiency questionnaire. They were also administered the original version of the Persian verbs picture naming test by using DMDX software in two Kurdish and Persian languages, with a 7–day interval. Paired t–test, Pearson and spearman correlations and independent *t*–test were used to analyze the data.

Results: In comparing the cognate verbs with non–cognate verbs, the speed and accuracy of recalling of cognate verbs was higher than non–cognate verbs in both language. Whereas corresponding comparison of cognate and non–cognate verbs of the first language with cognate and non–cognate verbs of the second language indicate that the second language (Persian language) words in both verb type (cognate and non–cognate) are retrieved more easily. There was a significant difference between the accuracy of recalling the cognate and non–cognate verbs of the first language ($p<0.001$) and the accuracy of recalling non–cognate verbs between the first and second languages ($p<0.001$). In addition, there was a significant relationship between the level of education and the accuracy of recalling of non–cognate verbs ($p=0.002$). Comparing the speed and accuracy between male and female groups showed a significant difference between the two groups in accuracy of recalling non–cognate verbs in first ($p=0.003$) and second languages ($p<0.001$).

Conclusion: Based on the findings of this study, it can be concluded that the cognate status and phonological similarities can effect on word retrieval and picture naming abilities in bilingual individuals. Based on the results "Cascade Activation Model" can explain the word retrieval in bilinguals was well.

Keywords: Recalling speed, Recalling accuracy, Cognate verbs, Non–cognate verbs, Kurdish–Persian bilingual.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.11.3]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۳۹۸؛ (۹):۲۴.

انتشار برخط خردادماه ۱۳۹۸ مقاله پژوهشی اصیل

بررسی تأثیر وضعیت هم‌ریشگی بر توانایی‌های نامیدن افعال در افراد دوزبانهٔ کردـ فارس

نریمان بارانی‌زاغه[۱]، *آذر مهری[۲]، شهره جلایی[۳]، روناک مرادی[۴]

توضیحات نویسندگان:

۱. کارشناسی‌ارشد گفتاردرمانی، دانشکدهٔ توان‌بخشی، دانشگاه علوم‌پزشکی تهران، تهران، ایران؛

۲. دکترای گفتاردرمانی، استادیار گروه گفتاردرمانی دانشکدهٔ توان‌بخشی، دانشگاه علوم‌پزشکی تهران، تهران، ایران؛

۳. دکترای آمارزیستی، دانشیار گروه فیزیوتراپی دانشکدهٔ توان‌بخشی، دانشگاه علوم‌پزشکی تهران، تهران، ایران؛

۴. دکترای زبان‌شناسی، استادیار، دانشگاه پیام‌نور، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** mehri@tums.ac.ir

تاریخ دریافت: ۳مرداد۱۳۹۶؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴مرداد۱۳۹۶

چکیده

زمینه و هدف: هم‌اکنون بیش از نیمی از مردم جهان دوزبانه یا چندزبانه هستند و در جامعهٔ امروز دوزبانگی قاعده شناخته می‌شود نه استثنا. محیط دوزبانه تأثیر عمیقی بر رشد زبانی و شناختی و اجتماعی افراد می‌گذارد. هدف از پژوهش حاضر بررسی اثر وضعیت هم‌ریشگی بر توانایی‌هایی نامیدن افراد دوزبانه و درنهایت رسیدن به مدل یا فرضیه‌ای بود که بازیابی واژگان در افراد دوزبانه را تبیین کند.

روش‌بررسی: این مطالعه یک پژوهش توصیفی‌تحلیلی بود. جامعهٔ مطالعه‌شدهٔ آن را تمامی افراد دوزبانهٔ کردـ فارس سالم استان کردستان تشکیل دادند. نمونه‌گیری به‌صورت دردسترس انجام شد. افراد پس از پرکردن پرسشنامهٔ مربوط به مهارت و تجربهٔ زبانی، نسخهٔ اصلی آزمون نامیدن تصاویر افعال فارسی را با استفاده از نرم‌افزار DMDX، در دو زبان کردی و فارسی، با فاصلهٔ زمانی هفت روز انجام دادند. جهت تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از آزمون‌های تی‌زوجی، تی‌مستقل، همبستگی پیرسون و نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد در افراد دوزبانه، سرعت و صحت نامیدن افعال هم‌ریشه به‌طور معناداری بیشتر از افعال غیرهم‌ریشه در هر دو زبان بوده و متغیرهای سن و جنسیت و سطح تحصیلات در برخی جنبه‌ها می‌توانند بر توانمندی نامیدن، تأثیر مستقیم یا عکس داشته باشند. براساس یافته‌ها، تفاوت معناداری بین صحت نامیدن افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشهٔ زبان اول ($p<۰/۰۰۱$) و صحت نامیدن افعال غیرهم‌ریشه بین زبان اول و دوم ($p<۰/۰۰۱$) مشاهده شد. همچنین ارتباط معناداری بین سطح تحصیلات و صحت نامیدن افعال غیرهم‌ریشهٔ زبان دوم وجود داشت ($p=۰/۰۰۲$). مقایسهٔ متغیرهای سرعت و صحت نامیدن نیز در دو گروه زن و مرد، تفاوت معناداری را بین دو گروه در صحت نامیدن افعال غیرهم‌ریشهٔ زبان اول ($p=۰/۰۰۳$) و زبان دوم ($p<۰/۰۰۱$) نشان داد.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت وضعیت هم‌ریشگی و شباهت‌های واج‌شناختی می‌تواند بر توانمندی نامیدن کلمات در افراد دوزبانه تأثیرگذار باشد. همچنین طبق نتایج، مدل فعال‌سازی آبشاری به‌خوبی می‌تواند بازیابی واژه در افراد دوزبانه را تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: سرعت نامیدن، صحت نامیدن، افعال هم‌ریشه، افعال غیرهم‌ریشه، دوزبانهٔ کردـ فارس.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار_غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.11.3]

۱ مقدمه

درحال‌حاضر بیش از نیمی از مردم جهان دوزبانه یا چندزبانه هستند. دوزبانه به افرادی اطلاق می‌شود که در زندگی روزمره‌شان از دو یا چند زبان یا گویش برای برقراری ارتباط استفاده می‌کنند (۱). محیط دوزبانه تأثیر عمیقی بر رشد زبانی و شناختی و اجتماعی افراد می‌گذارد. براساس مطالعات مختلف نشان داده شده است که افراد دوزبانه به‌دلیل تداخل‌های بین زبانی[1] موجود، در تکالیف متمرکز بر پردازش واژگانی، دچار مشکل می‌شوند (۲).

دربارهٔ سازمان‌دهی واژگان در افراد دوزبانه دو نظریه مطرح است.

۱. نظریهٔ کدهای دوگانه:[2] براساس این نظریه، سیستم واژگانی افراد دوزبانه از دو سیستم واژگانی خاص و جدا تشکیل شده است که به یک‌سیستم معنایی مشترک متصل می‌شوند.

۲. نظریهٔ دوم: بر این باور بوده که سیستم واژگانی افراد دوزبانه و تک‌زبانه مشابه است (سیستم مشترک واژگانی) و مرزهای واژگانی آن‌ها براساس نوع زبان از هم متمایز نبوده، بلکه به‌واسطهٔ تک‌واژشناسی و شباهت‌های شکل و معنا از هم جدا می‌شوند. براساس تحقیقات مختلف، این نظریه تفاوت‌های میان کلمات هم‌ریشه/غیرهم‌ریشه را در تکلیف «نامیدن» بهتر توضیح می‌دهد (۳).

در مطالعات مختلفی به بررسی تأثیر شباهت‌های واج‌شناختی و تک‌واژشناختی بر توانمندی نامیدن در افراد دوزبانه پرداخته شده است که در ادامه برخی از آن‌ها مطرح می‌شود.

مطالعهٔ کاستا و کارامازا و سباستین‌ـ گیلز (۴) نشان داد افراد دوزبانه کلمات هم‌ریشه و همچنین کلمات با بسامد زیاد را بهتر از کلمات غیرهم‌ریشه و با بسامد کم می‌نامند. در پژوهش هوشینو و کرول (۵) مشخص شد افراد دوزبانه زمانی‌که نام تصویر در دو زبان، هم‌ریشه باشد، با سرعت بیشتری تصویر را می‌نامند. در مطالعهٔ غفار ثمر، طبسی‌مفرد و اکبری (۶) بر ۴۲ دانشجوی زبان و ادبیات انگلیسی، سرعت نامیدن و بازیابی اسامی و افعال با استفاده از آزمون نامیدن تصویر بررسی شد. در این تحقیق مقایسهٔ تفاوت‌های دو زبان فارسی و انگلیسی در بازیابی اسم و فعل به‌تفکیک زبان و جنسیت صورت گرفت؛ اما به بررسی و مقایسهٔ صحت نامیدن و همچنین به مبحث هم‌ریشگی واژه‌ها اشاره‌ای نشد.

ازآنجاکه کشور ایران از تنوع فرهنگی و زبان‌شناختی عمده‌ای برخوردار بوده و پدیدهٔ دوزبانگی یا چندزبانگی در آن رایج است، بر آن شدیم که عملکرد نامیدن در افراد دوزبانهٔ کرد‌ـ فارس بررسی شود. یکی از موضوعاتی که در بحث نامیدن و دوزبانگی اهمیت ویژه‌ای دارد، موضوع هم‌ریشه‌بودن و غیرهم‌ریشه‌بودن مفاهیم در دو زبان است. دو زبان کردی و فارسی دارای تاریخچهٔ تقریباً مرتبطی هستند؛ بنابراین، انتظار می‌رود که بنا به نیای زبانی مشترک و مجاورت‌های اجتماعی و فرهنگی و زبانی موجود میان دو زبان، ساختارهای زبانی مشابهی داشته باشند (۷). ازجمله ساختارهای زبانی مشابه بین دو زبان کردی و فارسی می‌توان به کلمات هم‌ریشه اشاره کرد. براساس منابع، کلمات هم‌ریشه کلماتی با معنای واحد و فرمی مشابه (واجی، تک‌واژشناسی یا نوشتاری) در دو زبان هستند، مانند دو کلمهٔ tiger و tigre در دو زبان انگلیسی و فرانسوی و فعل «اره‌کردن» در فارسی درمقابل فعل «هه‌ره‌کردن "hær krdn"» در کردی، به‌همین معنا. کلمات غیرهم‌ریشه نیز کلماتی با معنای واحد، اما فرم متفاوت (واجی، تک‌واژشناسی یا نوشتاری) در دو زبان هستند، مانند دو کلمهٔ apple و pomme در دو زبان انگلیسی و فرانسوی و افعال «چشمک‌زدن» و «چاو قرتانن taw qrtann"» در دو زبان فارسی و کردی (۸).

پژوهش‌های بسیار اندکی چه در داخل و چه در خارج از ایران پدیدهٔ دوزبانگی را مطالعه کرده‌اند. مطالعات خارجی بیشتر به موضوع بررسی نامیدن طبقه‌ای خاص یعنی اسامی پرداخته و نتایج حاصل یافته‌های ضد و نقیضی را دررابطه با تفاوت‌های موجود بین دو زبان در سرعت و صحت نامیدن نشان می‌دهد. در این میان، در ایران نیز مطالعات بسیار اندک است و به‌جرئت می‌توان گفت که این حوزه کمتر مدنظر آسیب‌شناسان گفتار و زبان و زبان‌شناسان بوده است. نتایج برخی از تحقیقات تأثیر مثبت و بهبودی بیشتر ناشی‌از درمان‌هایی با پایهٔ هم‌ریشگی را بر بهبودی افراد زبان‌پریش دوزبانه بیان می‌کند (۹ و ۱۰)؛ بنابراین پژوهش حاضر باتوجه به فراهم‌آوردن داده‌های نرمال در این حوزه، می‌تواند پایه‌ای برای انجام مطالعات مشابه در گروه‌های باآسیب‌های زبانی همچون افراد زبان‌پریش باشد که این امر می‌تواند منجربه انتخاب درمانی کارآمد و مؤثر شود.

لازم به‌ذکر است که نتایج این پژوهش می‌تواند برای تمامی جوامع دوزبانه که به هر نحوی زبان‌های آن‌ها از هم تأثیر پذیرفته، مفید باشد. هدف از مطالعهٔ حاضر بررسی اثر هم‌ریشگی در سرعت و صحت نامیدن در افراد دوزبانه است تا بتوان به مدل‌های مناسبی جهت تبیین بازیابی واژگان در افراد دوزبانه دست‌یافت.

۲ روش‌بررسی

پژوهش حاضر از نوع توصیفی‌تحلیلی بود. این پژوهش در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۹۵ـ۱۳۹۶ صورت گرفت. براساس مطالعات مشابه انجام‌شده در این زمینه (۱۲، ۱۱، ۶) ۴۰ فرد دوزبانهٔ کردـ فارس سالم از لحاظ نورولوژیک (۲۵ مرد، ۱۵ زن) با میانگین سنی ۲۸/۹ سال (با انحراف معیار ۵/۴) و سطح تحصیلات ۱۰تا۱۱ سال (با میانگین ۱۰/۹ سال و انحراف معیار ۴/۹)، ازجهت توانمندی نامیدن تصاویر مربوط به افعال (۱۳)، بررسی شدند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به‌صورت دردسترس بود و افراد سالم دوزبانه از مراکز عمومی و فرهنگی و پارک‌ها در شهرهای سنندج و دیواندره و بانه از استان کردستان انتخاب شده و تحت بررسی قرار گرفتند.

در این مطالعه، ابتدا با استفاده از تاریخچه‌گیری و مصاحبهٔ اولیه، اطلاعات دموگرافیک استخراج شد. سپس جهت تکمیل اطلاعات افراد دررابطه با تاریخچهٔ زبانی و فرهنگی از حوزه‌های بررسی‌شده در پرسشنامهٔ تجربه و مهارت زبانی (LEAP–Q)[3] (۱۴) ایده گرفته شد. درنهایت، از آزمودنی‌ها خواسته شد که مهارت زبانی خود را در هریک از زبان‌ها (کردی و فارسی) براساس مقیاس پنج‌نمره‌ای لیکرت گزارش

[1]. Cross–languages interference

[2]. The dual code theory

[3]. The Language Experience and Proficiency Questionnaire (LEAP–Q)

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.11.3]

کنند. معیارهای ورود افراد به مطالعه عبارت بود از: قرارداشتن در محدودهٔ سنی ۱۸ تا۶۵ سال؛ دوزبانه‌بودن کرد ـ فارس و زندگی‌کردن در شهرهای استان کردستان؛ محرزشدن سلامت ذهنی و روانی و نورولوژیکی کامل براساس تاریخچه‌گیری پزشکی از آزمودنی یا خانوادهٔ وی؛ بینایی و شنوایی سالم باتوجه به اظهار خود فرد؛ داشتن مهارت یکسان یا تقریباً یکسان در هر دو زبان.

پس از انتخاب افراد مدنظر، جهت بررسی توانمندی نامیدن افعال، ۹۰ فعل موجود در نسخهٔ اصلی آزمون نامیدن افعال نامدار و همکاران (۱۳) انتخاب و براساس توافق صاحب‌نظران کرد ـ فارس (چهار آسیب‌شناس گفتار و زبان و یک‌زبان‌شناس) به دو دسته افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه طبقه‌بندی شدند و پس از مشخص‌شدن محرک‌های مذکور، آزمون مدنظر در دو مرحله (یک‌بار به زبان کردی و بار دیگر به زبان فارسی) با فاصلهٔ زمانی هفت روز به‌اجرا درآمد.

برای ثبت و ضبط داده‌های مربوط به‌سرعت نامیدن برحسب زمان واکنش و بررسی صحت پاسخ‌های ارائه‌شده، نرم‌افزار DMDX به‌کار گرفته شد. این نرم‌افزار، اطلاعات مربوط به زمان واکنش پاسخ‌های آزمودنی‌ها را در فایلی با پسوند azk و صدای آزمودنی‌ها در پاسخ به هر محرک را در فایل‌های صوتی جداگانه (جهت بررسی صحیح/نادرست بودن پاسخ‌ها) با پسوند wav، ذخیره کرد (۱۵). در روند اجرای آزمون، ابتدا نامیدن افعال مدنظر در زبان کردی (زبان اول) بررسی شد و برای کنترل اثر تطابق و آشنایی با محرک‌های آزمون، هفت روز بعد، نامیدن همین افعال در زبان دوم (زبان فارسی) تحت بررسی قرار گرفت. اجرای آزمون برای هر فرد با احتساب توضیحات اولیه و ارائهٔ ۱۰ تصویر آزمایشی، حدود ۳۰ دقیقه به‌طول انجامید که این تصاویر آزمایشی از نسخهٔ همتای همان آزمون جهت آشنایی آزمودنی‌ها با روند اجرای آزمون، انتخاب شده بود. در این آزمون، پاسخ‌هایی که دقیق و واضح و ازلحاظ واجی صحیح بودند به‌عنوان پاسخ درست درنظر گرفته شدند. همچنین، پاسخ‌های زیر به‌عنوان خطا بیان شد: ۱. پاسخ‌ندادن؛ ۲. نامیدن با زبان غیرهدف، به این معنا که آزمودنی زمانی‌که با نامیدن با زبان هدف (برای مثال زبان کردی) در حال ارزیابی است، از فعل زبان غیرهدف (در اینجا زبان فارسی) برای نامیدن استفاده کند؛ ۳. توصیف تصویر به‌جای نامیدن صرف فعل مربوط؛ ۴. ناواضح‌بودن بیان آزمودنی. میزان صحت نامیدن افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه در هر دو زبان به‌تفکیک و برحسب درصد گزارش شد. جهت بررسی سرعت نامیدن افعال، میانگین زمان‌های پاسخ‌گویی افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه به‌طور جداگانه در هر دو زبان مقایسه شد.

در این مطالعه، از یک‌دستگاه میکروفون VGA متصل به سیستم لپ‌تاپ Lenovo G50–A6 برای ضبط دقیق و واضح صدای آزمودنی‌ها جهت بررسی صحت نامیدن استفاده شد. داده‌های حاصل از نامیدن افعال مذکور در هردو زبان، پس از ثبت در نرم‌افزار SPSS، از نظر متغیرهای سرعت و صحت بررسی شدند.

آزمون کولموگروف‌اسمیرنوف نشان داد که هر هشت مؤلفهٔ بررسی‌شده نرمال بودند که در متغیر صحت نامیدن افعال هم‌ریشهٔ زبان اول مقدار احتمال برابر با (p=۰/۰۹۳) و صحت نامیدن افعال غیرهم‌ریشهٔ زبان دوم برابر با (p=۰/۱۵۲) و در بقیهٔ متغیرها برابر با (p=۰/۲۰۰) بود. جهت مقایسهٔ سرعت و صحت نامیدن افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه در هر زبان و همچنین بین دو زبان از آزمون تی‌زوجی[1] بهره گرفته شد. همچنین، برای بررسی ارتباط بین سرعت و صحت نامیدن در کلمات هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه و بررسی ارتباط سن با پاسخ‌های ارائه‌شده در تمامی پارامترها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. جهت بررسی همبستگی بین سطح تحصیلات و سرعت و صحت نامیدن، ضریب همبستگی اسپیرمن به‌کار گرفته شد و به هدف بررسی تأثیر جنسیت بر سرعت و صحت نامیدن افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه، آزمون تی‌مستقل ملاک قرار گرفت.

در این مطالعه سعی شد نکات اخلاقی همچون کسب مجوز از سازمان‌های مربوط، آگاهی آزمودنی یا خانوادهٔ وی از حضورش در پژوهش، محرمانه‌ماندن اطلاعات آن‌ها و اجازهٔ خروج درصورت نارضایتی افراد به ادامه، رعایت شود.

۳ یافته‌ها

در این مطالعه تعداد ۴۰ فرد دوزبانهٔ سالم (۲۵ مرد و ۱۵ زن) با میانگین سنی ۲۸/۹ سال (با انحراف معیار ۵/۴) و سطح تحصیلات۱۰ تا۱۱ سال (با میانگین ۱۰/۹ سال و انحراف معیار ۴/۹) با استفاده از ۹۰ فعل مربوط به نسخهٔ اصلی آزمون نامیدن افعال (۱۳) ارزیابی شدند. در پژوهش حاضر، به‌منظور بررسی تفاوت‌های موجود در بازیابی افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه در افراد مطالعه‌شده (افراد دوزبانه)، سرعت و صحت پاسخ‌های نامیدن افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه در دو زبان کردی و فارسی مقایسه شد. همچنین جهت بررسی میزان معناداری تفاوت‌های موجود در سرعت و صحت پاسخ‌های نامیدن افعال در افراد مطالعه‌شده، داده‌های مربوط با استفاده از آزمون تی‌زوجی تحلیل شدند (جدول ۱).

جدول ۱. مقایسهٔ نمرات مربوط به سرعت (برحسب میلی‌ثانیه)
و صحت نامیدن افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه (برحسب درصد) در هر دو زبان به‌تفکیک (n=۴۰)

متغیرها		میانگین	انحراف‌معیار	مقدار p
صحت نامیدن افعال در زبان اول	هم‌ریشه	۷۸/۴۴	۷/۹۲	<۰/۰۰۱
	غیرهم‌ریشه	۶۱/۲۵	۱۳/۷۱	
سرعت نامیدن افعال در زبان اول	هم‌ریشه	۱۱۶۸/۳۶	۲۲۶/۰۷	۰/۱۵۴
	غیرهم‌ریشه	۱۱۹۷/۷۶	۱۵۸/۰۴	

[1]. Paired *t–test*

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.11.3]

صحت نامیدن	هم‌ریشه	۷۶/۸۹	۹/۵۳	۰/۰۲۵
افعال در زبان دوم	غیرهم‌ریشه	۷۳/۵۸	۱۹/۲۱	
سرعت نامیدن	هم‌ریشه	۱۱۳۸/۰۲	۱۹۸/۷۱	۰/۳۴۸
افعال در زبان دوم	غیرهم‌ریشه	۱۱۵۹/۴۳	۲۴۰/۳۴	
صحت نامیدن	زبان اول	۷۸/۴۴	۷/۹۲	۰/۱۷۱
افعال هم‌ریشه	زبان دوم	۷۶/۸۹	۹/۵۳	
سرعت نامیدن	زبان اول	۱۱۶۸/۳۶	۲۲۶/۰۷	۰/۲۶۱
افعال هم‌ریشه	زبان دوم	۱۱۳۸/۰۲	۱۹۸/۷۱	
صحت نامیدن	زبان اول	۶۱/۵۲	۱۳/۷۱	<۰/۰۰۱
افعال غیرهم‌ریشه	زبان دوم	۷۳/۸۵	۱۰/۲۱	
سرعت نامیدن	زبان اول	۱۱۹۷/۷۶	۲۵۸/۰۴	۰/۱۸۴
افعال غیرهم‌ریشه	زبان دوم	۱۱۵۹/۴۳	۲۴۰/۳۵	

براساس نتایج ملاحظه می‌شود در میانگین سرعت و صحت نامیدن افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه بین دو زبان کردی و فارسی تفاوت وجود داشته که این تفاوت در میانگین صحت نامیدن افعال هم‌ریشه با افعال غیرهم‌ریشه در زبان اول (p<۰/۰۰۱) و میانگین صحت نامیدن افعال هم‌ریشه با افعال غیرهم‌ریشه در زبان دوم (p=۰/۰۲۵) و میانگین صحت نامیدن افعال غیرهم‌ریشه در زبان اول با افعال غیرهم‌ریشه در زبان دوم (p<۰/۰۰۱) معنادار است؛ بنابراین، باتوجه به یافته‌ها و داده‌های مذکور مشاهده می‌شود در افراد دوزبانه، به‌طورکلی، صحت و سرعت پاسخ‌های نامیدن در افعال هم‌ریشه درمقایسه با افعال غیرهم‌ریشه بهتر بوده و در معیار صحت نامیدن، پاسخ‌ها تفاوت معناداری داشتند.

در این مطالعه، همبستگی بین متغیرهای صحت و سرعت نامیدن افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشهٔ زبان اول و زبان دوم به‌صورت یک‌به‌یک با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی شد (جدول ۲).

جدول ۲. بررسی دو به دو ضرایب همبستگی بین متغیرهای صحت و سرعت نامیدن افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه در دو زبان (n=۴۰)

متغیرها	زبان آزمون‌شده	ضریب همبستگی	مقدار p
صحت نامیدن	زبان اول	۰/۶۸۹	۰/۱۷۱
افعال هم‌ریشه	زبان دوم		
سرعت نامیدن	زبان اول	۰/۶۹۳	۰/۲۶۱
افعال هم‌ریشه	زبان دوم		
صحت نامیدن	زبان اول	۰/۵۹۶	۰/۰۰۱
افعال غیرهم‌ریشه	زبان دوم		
سرعت نامیدن	زبان اول	۰/۷۹۴	۰/۱۸۴
افعال غیرهم‌ریشه	زبان دوم		

باتوجه به نتایج جدول ۲، مقایسهٔ دو به دو سرعت و صحت نامیدن افعال غیرهم‌ریشهٔ زبان اول و زبان دوم حاکی‌از وجود ارتباطی مستقیم بین سرعت و صحت نامیدن این افعال در دو زبان بوده که این همبستگی درحوزهٔ صحت نامیدن افعال معنادار است (p<۰/۰۰۱ و r=۰/۵۹۶).

در این مطالعه، همبستگی میان دو متغیر سن و سطح تحصیلات با متغیرهای سرعت و صحت نامیدن افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه بررسی شد (جدول ۳). براساس نتایج، سطح تحصیلات فقط با صحت نامیدن افعال غیرهم‌ریشه در زبان دوم ارتباط مستقیم و معناداری داشته (p=۰/۰۰۲ و r=۰/۴۸۴) و همچنین، بین سن و میانگین صحت نامیدن افعال هم‌ریشه در زبان اول رابطهٔ عکس و ضعیفی وجود داشت (p=۰/۰۵۶ و r=-۰/۳۰۴). در پژوهش حاضر، جهت بررسی و مقایسهٔ تأثیر متغیر جنسیت بر سرعت و صحت نامیدن افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه از آزمون تی‌مستقل استفاده شد (جدول ۴).

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.11.3]

جدول ۳. ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن سن و سطح تحصیلات
با متغیرهای صحت و سرعت نامیدن افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه (n=۴۰)

متغیرهای زمینه‌ای	متغیرهای وابسته	صحت نامیدن افعال هم‌ریشه در زبان اول	صحت نامیدن افعال هم‌ریشه در زبان دوم	صحت نامیدن افعال غیرهم‌ریشه در زبان اول	صحت نامیدن افعال غیرهم‌ریشه در زبان دوم	سرعت نامیدن افعال هم‌ریشه در زبان اول	سرعت نامیدن افعال هم‌ریشه در زبان دوم	سرعت نامیدن افعال غیرهم‌ریشه در زبان اول	سرعت نامیدن افعال غیرهم‌ریشه در زبان دوم
سن	مقدار p	۰/۰۵۶	۰/۱۹۴	۰/۲۷۹	۰/۵۲۱	۰/۳۰۲	۰/۴۴۴	۰/۷۷۲	۰/۶۷۲
	ضریب همبستگی	ـ۰/۳۰۴	ـ۰/۲۱۰	ـ۰/۱۷۵	۰/۱۰۵	۰/۱۶۷	۰/۱۲۴	۰/۰۴۷	۰/۰۶۹
تحصیلات	مقدار p	۰/۶۷۴	۰/۱۳۱	۰/۰۶۳	۰/۰۰۲	۰/۱۶۸	۰/۸۳۰	۰/۳۶۹	۰/۳۶۳
	ضریب همبستگی	۰/۰۶۹	۰/۲۴۳	۰/۲۹۷	۰/۴۸۴	۰/۲۲۲	۰/۰۳۵	۰/۱۴۶	ـ۰/۱۵۴

جدول ۴. بررسی تأثیر جنسیت بر سرعت و صحت نامیدن افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه(n=۴۰)

متغیرهای اصلی پژوهش	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	مقدار p
صحت نامیدن افعال	مرد	۷۸/۷۵	۸/۴۱	۰/۷۵۴
هم‌ریشهٔ زبان اول	زن	۷۷/۹۳	۷/۲۸	
سرعت نامیدن افعال	مرد	۱۲۲۳/۰۸	۲۱۶/۵۸	۰/۰۴۷
هم‌ریشهٔ زبان اول	زن	۱۰۷۷/۱۵	۲۱۸/۴۲	
صحت نامیدن افعال	مرد	۷۹/۱۳	۹/۲۲	۰/۰۵۳
هم‌ریشهٔ زبان دوم	زن	۷۳/۱۵	۹/۱۱	
سرعت نامیدن افعال	مرد	۱۱۶۳/۱۸	۱۷۸/۴۶	۰/۳۰۷
هم‌ریشهٔ زبان دوم	زن	۱۰۹۶/۰۷	۲۲۸/۸۷	
صحت نامیدن افعال	مرد	۶۶/۳۶	۳۵/۳۵	۰/۰۰۴
غیرهم‌ریشهٔ زبان اول	زن	۵۳/۴۶	۱۰/۳۴	
سرعت نامیدن افعال	مرد	۱۲۵۱/۷۷	۲۶۰/۴۰	۰/۰۸۷
غیرهم‌ریشهٔ زبان اول	زن	۱۱۰۷/۷۳	۲۳۵/۲۷	
صحت نامیدن افعال	مرد	۷۸/۰۸	۹/۲۰	۰/۰۰۱
غیرهم‌ریشهٔ زبان دوم	زن	۶۶/۸۰	۷/۷۷	
سرعت نامیدن افعال	مرد	۱۱۸۱/۴۵	۲۱۴/۷۴	۰/۴۶۲
غیرهم‌ریشهٔ زبان دوم	زن	۱۱۲۲/۷۳	۲۸۲/۰۶	

مقایسهٔ متغیرهای سرعت و صحت نامیدن افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه در زبان‌های کردی و فارسی بین دو جنس مشخص کرد در جنبه‌های سرعت نامیدن افعال هم‌ریشهٔ زبان اول (p=۰/۰۴۷) و صحت نامیدن افعال غیرهم‌ریشهٔ زبان اول (p=۰/۰۰۳) و صحت نامیدن افعال غیرهم‌ریشهٔ زبان دوم (p<۰/۰۰۱) تفاوت معناداری بین دو گروه زن و مرد وجود دارد که براساس میانگین‌های ارائه‌شده، مشاهده می‌شود در هر دو جنبه مردان عملکرد بهتری درمقایسه با زنان داشتند.

۴ بحث

در این مطالعه، توانمندی نامیدن افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه، در ۴۰ فرد دوزبانهٔ کرد ـ فارس بررسی شد. از اهداف پژوهش حاضر، بررسی و مقایسهٔ سرعت و صحت نامیدن افعال هم‌ریشه درمقابل افعال غیرهم‌ریشه به‌تفکیک در هر دو زبان (کردی و فارسی) بود. یافته‌های مطالعهٔ حاضر نشان داد افعال هم‌ریشه درمقایسه با افعال غیرهم‌ریشه با سرعت و صحت بیشتری نامیده شدند که این یافته‌ها با مطالعهٔ گولان، مونتویا، فنما ـ نوتستین و همکاران (۲) مطابقت دارد. همچنین در تحقیق هوشینو و کرول (۵) نتایج مشخص کرد فعال‌سازی بین‌زبانی ناشی‌از واج‌شناسی (هم‌ریشگی) وجود دارد که باعث می‌شود کلمات هم‌ریشه با سرعت بیشتری نامیده شوند و این یافته‌ها در تأیید مطالعهٔ حاضر است.

انتخاب واژه در افراد دوزبانه، رقابت بین بازنمایی‌های واژگانی را برمی‌انگیزاند که از لحاظ معنایی باهم مرتبط هستند؛ به‌طوری‌که اگر

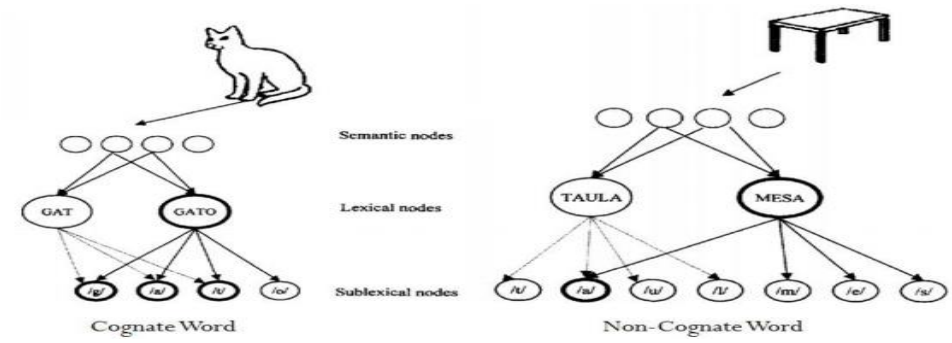
[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.11.3]

رقابت بر سر انتخاب واژه بین دو زبان اتفاق بیفتد، افراد دوزبانه با مشکل دوچندانی مواجه می‌شوند؛ زیرا باید علاوه‌بر رقابت درون‌زبانی واژه‌ها، به رقابت بین‌زبانی آن‌ها هم توجه داشته باشند (۲).

برطبق فرضیهٔ آستانهٔ فعال‌سازی[1] که پارادایس (۱۶) آن را مطرح کرد، فعال‌شدن یک‌زبان شامل مهار خودکار زبان غیرهدف است (به‌واسطهٔ افزایش‌دادن آستانهٔ فعال‌شدن زبان غیرهدف) و باعث مهار تداخل بین‌زبانی می‌شود. براساس مطالعهٔ کاستا، سانتستبان و کانو (۱۷) شاید شباهت واج‌شناختی مرتبط‌ترین ویژگی کلمات است که بر عملکرد افراد دوزبانه تأثیر می‌گذارد.

دررابطه با نحوهٔ بازیابی کلمات هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه در افراد دوزبانه مدل‌های مختلفی ارائه شده است. مدل فعال‌سازی آبشاری[2] که کارامازا (۱۸) شرح داد، فرض می‌کند که فعال‌سازی به‌طور پیوسته از سطح واژگانی به سطح واجی انتقال می‌یابد؛ به‌طوری‌که تمامی گره‌های واژگانی که ازطریق سیستم معنایی فعال شده‌اند، فعال‌سازی خود را بدون توجه به اینکه آیا انتخاب شده‌اند یا خیر، به سطح واجی انتقال می‌دهند. براساس این مدل، کلمات هم‌ریشه به‌دلیل شباهت واجی/نوشتاری زمانی‌که در یک‌زبان فعال شوند در زبان دیگر هم باعث فعال‌سازی گره‌های مشابه می‌شوند (مثال: gat/gato) که به‌دلیل مشابهت گره‌های واجی/نوشتاری در دو زبان، فعال‌سازی گره‌های واجی سریع‌تر بوده و درنتیجه کلمات هم‌ریشه زودتر بازیابی می‌شوند (۱۸). در شکل ۱ نحوهٔ بازیابی کلمات هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه براساس مدل فعال‌سازی آبشاری نشان داده شده است (۴).



شکل ۱. طرحوارهٔ نحوهٔ بازنمایی کلمات هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه براساس مدل نامیدن تصویر کاستا و همکاران (۴)

باتوجه به یافته‌های پژوهش مشاهده می‌شود که درمقایسهٔ افعال هم‌ریشهٔ زبان اول با افعال هم‌ریشهٔ زبان دوم و افعال غیرهم‌ریشهٔ زبان اول با افعال غیرهم‌ریشهٔ زبان دوم، بین دو زبان، سرعت و صحت نامیدن افعال (هم افعال هم‌ریشه و هم افعال غیرهم‌ریشه) مربوط به زبان دوم، بهتر بوده است.

همچنین یافته‌ها حاکی‌از معنادار‌بودن ارتباط بین صحت نامیدن افعال غیرهم‌ریشهٔ زبان اول با صحت نامیدن افعال غیرهم‌ریشهٔ زبان دوم است که مطالعه‌ای در تأیید یا رد این یافته مشاهده نشد.

از دلایلی که می‌تواند توجیه مناسبی برای این یافته‌ها باشد به محرک‌های پژوهش (افعال) و تفاوت ساختاری آن‌ها در دو زبان کردی و فارسی برمی‌گردد.

مطالعات مختلف، نشان داده است که طبقهٔ واژه (اسم یا فعل) می‌تواند بر توانایی آزمودنی در بازیابی و نامیدن تصاویر مؤثر باشد. برخی تحقیقات بیان کرده‌اند که باتوجه به اینکه افعال از لحاظ تک‌واژشناسی[3] دارای پیچیدگی‌های بیشتری درمقایسه با اسامی هستند، این امر، منجربه مشکلات جدی در بازیابی افعال درمقایسه‌با اسامی می‌شود (۱۹،۲۰). تفاوت‌های موجود در بازیابی فعل و اسم در پژوهش غفار ثمر و همکاران نیز گزارش شده است (۶).

دو زبان کردی و فارسی باوجود شباهت‌هایی که پیش‌تر اشاره شد، از حیث ویژگی‌های مربوط به افعال تفاوت‌هایی دارند و فرض محقق بر این است که احتمالاً تفاوت‌های موجود بین زبان کردی و زبان فارسی عامل تأثیرگذاری در کم‌بودن سرعت و صحت نامیدن افعال زبان کردی درمقایسه با افعال زبان فارسی باشد.

در مطالعهٔ آریادوست، مرندی و آریادوست (۲۱) به برخی از این تفاوت‌ها اشاره شده است. نتایج تحقیق آریادوست و همکاران (۲۱) مشخص کرد در زبان کردی (گویش هورامی) برخلاف زبان فارسی، بسیاری از افعال (فعل‌های انتقالی[4]) دارای دو نوع مصدر هستند که این ویژگی در زبان‌های فارسی و انگلیسی مشاهده نمی‌شود. برای مثال در زبان کردی (گویش هورامی) برای فعل «تغییردادن»، دو فعل «فرایی Fâřây» و «وارایی wâřây» استفاده می‌شود. در گویش سورانی زبان کردی هم می‌توان به فعل «بیا» در زبان فارسی اشاره کرد که در زبان کردی دارای دو فعل «بێ "Be" و بیره "Beræw"» است. فرض محقق بر این بوده که نکات مذکور می‌تواند باعث ایجاد دشواری در بازیابی و نامیدن افعال در زبان کردی درمقایسه با زبان فارسی شود.

به‌طورکلی، جهت توجیه یافته‌های مذکور دو فرض وجود دارد. براساس فرض اول، به‌نظرمی‌رسد باتوجه به اینکه دو زبان کردی و فارسی دارای ساختارهای فعلی متفاوتی هستند، صرف‌کردن برخی افعال در زبان کردی با زبان فارسی متفاوت باشد. در زبان کردی برخلاف زبان فارسی اغلب افعال را نمی‌توان با حالت مصدری بیان کرد و برای صرف برخی از فعل‌ها باید عبارتی یا جمله‌ای را به‌کار برد. برای مثال، مصدر فعل

1. activation threshold
2. Cascaded Activation Model
3. Morphologic
4. Transitive

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.11.3]

«پایین‌آمدن» در زبان کردی «خوار هاتن "xwar hatn"» است؛ اما اغلب آزمودنی‌ها آن را به‌صورت عبارت «خه ریکه تیته خواره و "xærikæ tetæ xwaræw"» معادل‌سازی کردند که ازلحاظ طول گفته و تعداد کلمات محتوایی بار معنایی بیشتری را به حافظهٔ فرد تحمیل می‌کند و سرعت بازیابی و صحت در بازیابی آن را درمقایسه‌با بازیابی شکل فارسی‌اش کاهش می‌دهد.

فرض دوم به موضوع آموزش‌های دانشگاهی افراد کردزبان در کشور ایران برمی‌گردد. بر این اساس، دانش کردزبانان از زبانشان به‌علت فقدان آموزش در مدرسه در سطح ناخودآگاه مانده و در موقعیت‌های پرسشی دیرتر به پاسخ دست پیدا می‌کنند؛ لذا زیادبودن سرعت و صحت نامیدن افراد دوزبانه در زبان فارسی می‌تواند به بحث آگاهانه‌بودن آموزش‌های دانشگاهی برگردد.

نکتهٔ دیگری که مطالعهٔ حاضر به آن پرداخت، بررسی تأثیر سن و سطح تحصیلات و جنسیت بر سرعت و صحت پاسخ‌های نامیدن افراد دوزبانه است. یافته‌ها نشان داد میان سن و صحت نامیدن افعال هم‌ریشه در زبان اول رابطهٔ عکس و معناداری وجود دارد؛ اما در سایر پارامترها رابطهٔ معناداری بین سن و سرعت و صحت نامیدن افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه مشاهده نشد. دربارهٔ رابطه و تأثیر سن بر سرعت و صحت نامیدن افعال فرض بر این بود که با بیشترشدن سن و قرارگیری فرد درمعرض کلمات، به‌ویژه کلمات هم‌ریشه که در هر دو زبان استفاده می‌شود و نیز افزایش تجربهٔ زبانی، بازیابی این کلمات سریع‌تر و با صحت بیشتری صورت گیرد که مطالعهٔ حاضر این فرض را رد می‌کند. نتایج مطالعهٔ زک، بورکت، مارک‌ول و لارسن (۲۲) بین سن و عملکرد نامیدن افراد رابطهٔ عکس را نشان داد که با نتایج پژوهش ما و برخی از مطالعات دیگر همسوست. براساس نتایج مطالعهٔ زک و همکارانش (۲۲)، افزایش سن (از ۷۰سالگی به بعد) به‌دلایلی همچون پیرشدن طبیعی مغز[1]، افزایش مشکلات پزشکی، کاهش انگیزش‌ها و تحریکات شناختی و افزایش بروز علائم اولیهٔ بیماری‌هایی همچون آلزایمر، باعث کاهش عملکرد فرد در نامیدن تصاویر می‌شود.

یافته‌های حاصل از بررسی همبستگی میان سطح تحصیلات و سرعت و صحت نامیدن افعال بیان می‌کند تنها پارامتری که با سطح تحصیلات رابطهٔ مستقیم و قوی و معناداری دارد، صحت نامیدن افعال غیرهم‌ریشه در زبان دوم است که این یافته با نتایج سایر مطالعات همسوست. در برخی از پژوهش‌ها به رابطهٔ مستقیم سطح تحصیلات و عملکرد نامیدن اشاره شده است (۲۳)؛ درحالی‌که در بعضی از این مطالعات، ارتباطی بین سطح تحصیلات و عملکرد نامیدن ارائه نشده است (۲۴).

کلمات غیرهم‌ریشه (زبان دوم) کلماتی بوده که بین دو زبان ازلحاظ واج‌شناسی، تک‌واژشناسی، نوشتاری و تلفظی کاملاً متفاوت هستند؛ بنابراین طبیعی به‌نظر می‌رسد که توسط کاربران دوزبانه دارای زبان اول کردی و سطح ضعیف تحصیلات، کمتر استفاده شده باشد؛ لذا این دسته از افراد در بازیابی این گروه از کلمات، دشواری بیشتری خواهند داشت؛ درصورتی‌که کلمات هم‌ریشه، باتوجه به اینکه در زبان اول هم استفاده شده‌اند، در زبان دوم هم با سرعت و صحت بیشتری بازیابی می‌شوند. باتوجه به یافته‌های حاصل و آنچه گفته شد، تحصیلات می‌تواند تأثیر بسزایی بر وضعیت نامیدن کلمات (به‌خصوص کلمات غیرهم‌ریشهٔ زبان دوم) داشته باشد. در کشور ایران آموزش‌های دانشگاهی در تمامی مقاطع به زبان رسمی کشور (زبان فارسی) ارائه می‌شود؛ لذا تحصیلات بیشتر بر کلمات غیرهم‌ریشهٔ زبان دوم تأثیر درخورتوجهی خواهد گذاشت.

به‌طورکلی، نشان داده شده است افراد باتحصیلات بیشتر، بدون درنظرگرفتن نوع افعال، نمرات بهتری را در آزمون نامیدن تصاویر کسب می‌کنند (۲۲).

مقایسهٔ متغیرهای سرعت و صحت نامیدن افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشه در زبان‌های کردی و فارسی بین دو جنس مشخص کرد در جنبه‌های سرعت نامیدن افعال هم‌ریشهٔ زبان اول و صحت نامیدن افعال غیرهم‌ریشهٔ زبان اول و صحت نامیدن افعال غیرهم‌ریشهٔ زبان دوم تفاوت معناداری بین دو گروه زن و مرد وجود دارد که براساس میانگین‌های ارائه‌شده مشاهده می‌شود در هر دو جنبه مردان عملکرد بهتری درمقایسه با زنان داشتند. دررابطه با جنسیت، نتایج برخی از مطالعات حاکی‌از بهتربودن عملکرد نامیدن در مردان درمقایسه‌با زنان است که نتایج پژوهش حاضر را تأیید می‌کنند (۲۲). درمقابل، مطالعهٔ غفارثمر و همکاران (۶) نشان داد زنان در نامیدن کلمات [شامل هر دو گروه اسم و فعل] درمقایسه با مردان عملکرد بسیار بهتری دارند.

مسلم است که باتوجه به حجم کم نمونه‌ها و جدیدبودن موضوع در کشور ایران و به‌طور خاص، بین دو زبان کردی و فارسی، جهت رسیدن به نتایج دقیق‌تر و تعمیم نتایج، به مطالعات بیشتر درزمینهٔ دوزبانگی و نامیدن نیاز است.

۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این پژوهش مشاهده می‌شود که به‌عنوان نتیجه‌ای کلی، در مقایسهٔ افعال هم‌ریشه با افعال غیرهم‌ریشه، سرعت و صحت نامیدن افعال هم‌ریشه بهتر و بیشتر از افعال غیرهم‌ریشه در هر دو زبان است؛ درحالی‌که مقایسهٔ متناظر افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشهٔ زبان اول با افعال هم‌ریشه و غیرهم‌ریشهٔ زبان دوم نشان می‌دهد سرعت و صحت نامیدن و بازیابی کلمات در زبان دوم بیشتر است. براساس نتایج، مدل فعال‌سازی آبشاری به‌خوبی می‌تواند بازیابی واژه را در افراد دوزبانه تبیین کند.

۶ تشکر و قدردانی

این پژوهش بخشی از پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد گفتاردرمانی مصوب دانشکدهٔ توان‌بخشی دانشگاه علوم‌پزشکی تهران است. بدین‌وسیله از زحمات تمامی استادان و افرادی که ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند به‌ویژه خانم دکتر بهنوش طحان‌زاده، آقای دکتر حسین دهداری‌راد، آقای دکتر طالب خداویسی و خانم دلارام مرادی سپاسگزاری می‌شود.

[1]. Normal brain aging

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.11.3]

References

1. Fabbro F. The bilingual brain: Bilingual aphasia. Brain and Language. 2001;79(2):201–10. doi:10.1006/brln.2001.2480
2. Gollan TH, Montoya RI, Fennema–Notestine C, Morris SK. Bilingualism affects picture naming but not picture classification. Memory & cognition. 2005;33(7):1220–34. doi:10.3758/BF03193224
3. Lalor E, Kirsner K. The role of cognates in bilingual aphasia: Implications for assessment and treatment. Aphasiology. 2001;15(10–11):1047–56. doi:10.1080/02687040143000384
4. Costa A, Caramazza A, Sebastian–Galles N. The cognate facilitation effect: implications for models of lexical access. Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory, and Cognition. 2000;26(5):1283. doi:10.1037/0278-7393.26.5.1283
5. Hoshino N, Kroll JF. Cognate effects in picture naming : Does cross–language activation survive a change of script? Cognition. 2008;106(1):501–11. doi:10.1016/j.cognition.2007.02.001
6. Ghafarsamar R, Tabasi Mofrad F, Akbari R. A cognitive difference in the speed of recalling of pictures between Persian–English bilingual males and females Language Related Research. Tarbiat Modares University Journal. 2014;5(2):178–61. [Persian]. http://journals.modares.ac.ir/article-14-7101-fa.html
7. Mohamadi H, Nilipour R, Yadegari F. Stuttering Prevalence among Kurdish–Farsi Students Effects of the Two Languages Similarities. Iranian Rehabilitation Journal. 2008;6(1):83–8. http://irj.uswr.ac.ir/article-1-80-en.html
8. Roberts PM, Deslauriers L. Picture naming of cognate and non–cognate nouns in bilingual aphasia. Journal of Communication Disorders. 1999;32(1):1–23. doi:10.1016/S0021-9924(98)00026-4
9. Kohnert K. Cognitive and cognate–based treatments for bilingual aphasia: A case study. Brain and language. 2004;91(3):294–302. doi:10.1016/j.bandl.2004.04.001
10. Kurland J, Falcon M. Effects of cognate status and language of therapy during intensive semantic recalling treatment in a case of severe nonfluent bilingual aphasia. Clinical linguistics & phonetics. 2011;25(6–7):584–600. doi:10.3109/02699206.2011.565398
11. Gollan TH, Fennema–Notestine C, Montoya RI, Jernigan TL. The bilingual effect on Boston Recalling Test performance. Journal of the International Neuropsychological Society. 2007;13(2):197–208. doi:10.1017/S1355617707070038
12. Sáchez–Casas RM, García–Albea JE, Davis CW. Bilingual lexical processing: Exploring the cognate/non–cognate distinction. European Journal of Cognitive Psychology. 1992;4(4):293–310. doi:10.1080/09541449208406189
13. Jalaie S, Mehri A, Khatibani MN. Developing a verb picture naming test in Adults, and determining its validity and reliability in Alzheimer disease patients. Journal of Neurology and Neuroscience. 2018. doi:10.21767/2171-6625-C1-008
14. Marian V, Blumenfeld HK, Kaushanskaya M. The Language Experience and Proficiency Questionnaire (LEAP–Q): Assessing language profiles in bilinguals and multilinguals. Journal of Speech, Language, and Hearing Research. 2007;50(4):940–67. doi:10.1044/1092-4388(2007/067)
15. Darcy I. DMDX introductory tutorial. Retrieved on July. 2010;14:2014.
16. Paradis M. A neurolinguistic theory of bilingualism: John Benjamins Publishing; 2004.
17. Costa A, Santesteban M, Caño A. On the facilitatory effects of cognate words in bilingual speech production. Brain and Language. 2005;94(1):94–103. doi:10.1016/j.bandl.2004.12.002
18. Caramazza A. How many levels of processing are there in lexical access? Cognitive Neuropsychology. 1997;14(1):177–208. doi:10.1080/026432997381664
19. Mätzig S, Druks J, Masterson J, Vigliocco G. Noun and verb differences in picture naming : past studies and new evidence. Cortex. 2009;45(6):738–58. doi:10.1016/j.cortex.2008.10.003
20. Huttenlocher J, Lui F. The semantic organization of some simple nouns and verbs. Journal of Verbal Learning and Verbal Behavior. 1979;18(2):141–62. doi:10.1016/S0022-5371(79)90091-4
21. Aryadoust SV, Marandi N, Aryadoust M. A Contrastive Analysis of Modern Hawrami Kurdish and Persian Verbs and Tenses.
22. Zec RF, Burkett NR, Markwell SJ, Larsen DL. A cross–sectional study of the effects of age, education, and gender on the Boston Recalling Test. The Clinical Neuropsychologist. 2007;21(4):587–616. doi:10.1080/13854040701220028
23. Borod JC, Goodglass H, Kaplan E. Normative data on the Boston diagnostic aphasia examination, parietal lobe battery, and the Boston recalling test. Journal of Clinical and Experimental Neuropsychology. 1980;2(3):209–15. doi:10.1080/01688638008403793
24. Fastenau PS, Denburg NL, Mauer BA. Parallel short forms for the Boston Recalling Test: psychometric properties and norms for older adults. Journal of Clinical and Experimental Neuropsychology. 1998;20(6):828–34. doi:10.1076/jcen.20.6.828.1105

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.11.3]